

درباره «ابلق» نرگس آبیار

یک فیلم ملتهب و چند لکنت

زندگی او آغاز می شود.

آبیار تلاش کرده ابتدا این اجتماع، مردمان محله و روابط و مناسبات و اتمسفر جاری بین آنها را تثبیت کند چراکه قهرمان او بر چنین بستری خدشه دار

شده، تصمیم به کنش‌مندی گرفته و در نهایت قضاوت و وادار به سکوت می شود. در این میان موقعیت و جایگاه راحله با ظرافت طراحی شده تا تردی‌ها و انفعال اولیه او، رنگی از واقعیت ملموس و در تقابل با کنش‌مندی ثانویه‌اش قرار بگیرد.

فیلمساز با هوشمندی خطوط و کاراکترهای فرعی را که قرار است در ادامه کارکرد یافته و به تغییر مسیر

درام کمک کنند، خلق کرده و پرداخته است. از دختر جوان همسایه و رابطه پنهانی تا زن مذهبی، برادرشوهر و خواهرشوهر راحله ...- مرد جوان معلولی که ناظر خاموش همه اتفاقات است.

اما همه این کاشته‌ها به برداشتی قابل قبول نمی‌رسند که نمونه برجسته آن؛ جوان معلول و تنها شاهد رویداد محوری است که استفاده‌ای از او نمی شود و رها و ناکارآمد می‌ماند. در حالی که بسط

این نقش می‌توانست نشانه‌ای از سکوت‌نماندن این نقش در جهان فیلم باشد و مهمتر اینکه حقانیت راحله تنها به ذهن مخاطب که ناظر رویداد محوری بوده، واگذار نشود.

هرچقدر درام با روندی تدریجی و جزئی‌نگرانه تا رویداد ملتهب محوری پیش می‌رود و تعلیق و اضطراب ناشی از احتمال وقوع اتفاق را به مخاطب منتقل می‌کند، اما از لحظه افشاگری راحله از پیشبرد

ماچرا درمی‌ماند.

درحالی‌که مخاطب انتظار پایانی حتی تراژیک؛ مطابق با داده‌های فیلم برای بستن پرونده بحران محوری را دارد، اما فیلمساز با فاصله گرفتن از قطعیت با نوعی محافظه کاری فینال را به نگاه تمثیلی و تصویر موش‌های درون فاضلاب واگذار می‌کند که پاسخگوی انتظار مخاطب نیست. همان‌طور که تغییر و تحول کاراکتر علی و انعطاف او در برابر این رویداد و حقیقتی که تلویحا می‌پذیرد؛ با تکیه بر عشق افراطی و تعصبی که به راحله دارد، باورپذیر نمی‌شود.

الناز شاکردوست و هوتن شکیبا در نقش‌هایی غیرقابل انتظار و متفاوت، حضوری صددرصدی و قابل دفاع از خود ثبت کرده‌اند. همان‌طور که بهرام رادان با هوشمندی خود و هدایت کارگردان بازی زیرپوستی و ظریفی را در کارنامه‌اش ثبت کرده است. «ابلق» فیلمی است که تجربه و ریسکی جدید همچون آثار قبلی آبیار برای این فیلمساز به‌همراه داشته اما طراحی یک فینال سؤال برانگیز، مانع از تبدیل شدن آن به اثری تمام و کمال شده است.

درباره فیلم «شیشلیک» محمدحسین مهدویان

«شیشلیک» یا لباس جدید پادشاه؟

رئیس کارخانه معنا و مفهومی مطلق و غیرقابل نقض پیدا می‌کند، ایدئولوژی که متمرکز بر تقدیس فقر و گرسنگی است. در چنین جهانی حرف زدن یک دخترپچه از کباب شیشلیک، کارکرد افشاگری همان پسری را دارد که در قصه «لباس جدید پادشاه» فریاد زد (پادشاه لخت است!) و شکافی در دیوار جهل و خودفریبی آدم بزرگ‌ها ایجاد کرد.

نویسنده و فیلمساز هرچند هوشمندانه این الگو را بر بستر قصه خود که ملغمه‌ای از انتقادات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است، جاری کرده‌اند اما نتوانسته‌اند فیلم را از دافعه شعارزدگی، اغراق و مستقیم‌گویی افراطی نجات داده و به مدد مؤلفه‌های ژانر آنها را تعدیل کرده و قابل قبول جلوه دهند.

نکته دیگر اینکه فیلم به‌جای حرکت طولی، در عرض حرکتی تکراری حول محور شکاف وارد شده به دیوار باور و ایدئولوژی تحمیلی مردم می‌پردازد و بتدریج کارکرد و جذابیت خود را هم از دست می‌دهد. درحالی‌که اگر روند دراماتیک پیش‌رونده‌ای برای ایجاد این شکاف در خانواده هاشم و احمد و بتدریج دیگر مردم طراحی شده بود، موقعیت‌سازی‌های جدید و امکان مانور بر لایه‌های عمیق‌تری از این قصه تمثیلی را برای مخاطب ایجاد می‌شد.

«شیشلیک» فیلمی نیست که برای دوستاندارن (ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» همراه با کشف و لذت و جذابیت مضاعف باشد. همان‌طور که فیلمساز حق دارد خود را به گونه‌های مختلف محک بزند، مخاطب هم حق دارد او و اثرش را در این قاب بپسندد.

■ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۵۵۹

گفت‌وگو با مجیدبرزگر، رویا افشار

و آرش انیسی درباره «مامان»

تثبیت سینمای مستقل در فجر

کامیاب حضرتی | خبرنگار

به بهانه گفت‌وگو درباره «مامان» ساخته آرش انیسی به دفتر مجیدبرزگر رفتیم. صحبت‌های مادر باره سینما، ادبیات و هنرهای تجسمی ساعت‌ها ادامه داشت تا اینکه تصمیم بر آن شد که منسجم‌تر به گفت‌وگو بپردازیم و از سینمای مستقل، مشکلات تولید و «مامان» و حضورش در جشنواره فجر بپردازیم. فیلمی که از نظر فیلمنامه روندی بسیار دقیق دارد و طی سال‌هایی که انیسی درگیر ایجاد شرایط ساخت آن بود همواره و از سوی همگان مورد تأیید قرار گرفت. بازی رویا افشار نیز از این فیلم مستقل و با بودجه محدود فیلمی گیرا و جذاب ساخته است که می‌تواند مخاطب را درگیر فیلم و فضای آن بکند. با کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر این فیلم به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

■ **آقایبرزگر! فعالیت‌های شما مترادف با نام سینمای مستقل است. در شرایط تولید گران و باوجود شکل دولتی حمایت‌های سینمایی چه‌طور می‌شود مستقل بود؟**

برزگر: در تعریف سینمای مستقل افتراقاتی وجود دارد. برای من سینمای مستقل تنها به معنای

مستقل از سفارش و توصیه است و نه مستقل مالی. من از هر منبعی می‌توانم پول و منابع مالی تأمین کنم تا فیلم خودم را بسازم. در تیارشناسی سینمای مستقل می‌توان به دو گروه رسید. سینمای آمریکا که در انحصار استودیوهای خصوصی قرار دارد در کنار بلاک باسترها (سینمای مستقل و متفاوت حمایت می‌کند. بدین ترتیب خیلی از فیلمسازان مستقل

آمریکایی در استودیوها فیلم می‌سازند. در اروپا شیوه دیگری وجود دارد و دولت برای زنده ماندن و احیای سینمای متفاوت به حمایت از سینمای مستقل و آوانگارد می‌پردازد. در ایران ما استودیو شبیه آمریکا نداریم و تهیه‌کنندگان یا دولت حاضر نیست از سینمای مستقل حمایت کند. در این جغرافیا نمی‌توانیم تعریفی از سینمای مستقل در ایران ارائه دهیم. از اواخر دهه ۳۰ تا امروز تک‌ضراب‌هایی در سینمای ایران داشتیم که با همت و عشق و جنون خودشان و با دورهم جمع شدن فیلم‌های متفاوت و ارزان قیمتی ساختند که پیشنهادت تازه‌ای ارائه کرده‌اند. من خودم را در ادامه این سنت می‌بینم و نگران نیستم که با در اختیار گرفتن پول از منابع رسمی فیلمساز دولتی محسوب شوم. من، آرش انیسی و دوستانی که قبلاً با آنها کار کردم از جنس این سینما هستیم.

■ **با وجود شرایط سخت تولید «مامان» هم در این فضا ساخته‌شد؟**
برزگر: تا زمان ساخت فیلم «مامان» هنوز این توان را داشتیم که به‌طور لویجانت فیلم بسازیم ولی عملاً سینما از اختیار ما خارج شد و به شکل ترسانکی تأمین هزینه تولید را دشوار کرد. به‌طور مثال دلار بالا می‌رود و دوربینی که تعمیر و خرید آن با دلار است دیگر در دسترس نیست و نمی‌شود دستمزد عوامل را پرداخت کرد. در چنین شرایطی یک فیلمبردار با ۵ میلیون سرکار حاضر نمی‌شود و ترجیح می‌دهد با اسنپ کار کند. در این شرایط باید دیگر فاتحه سینمای مستقل را بخوانیم. چون این سینما آخرین نفس‌ها را می‌کشد و امیدوارم راهی برای ادامه آن باشد.

■ **خانم افشار شما بازیگری متعلق به سینمای مستقل هستید. این انتخاب شما است یا پیشنهادها از این سینمایی رسد؟**
افشار: صد درصد انتخابی است. من مغرور نیستم اما خوشبختانه احساس خوبی دارم که با وجود فاصله زیاد سنی هنوز مورد اعتماد نسل جدید هستم. به خودم می‌گویم که درست قدم برداشتی اما این حرف به این معنا نیست که خطایی نداشته باشم. به خودم می‌گویم اگر سختگیری کردی و به خودت فشار آوردی و در دوران‌های چیزهایی دیدی که حالت را بد کرد، خوب شد، چرا که وضعیت را درست درک کردی. یک اتفاقی در گذشته من افتاده که امروز در این کارها از من دعوت می‌شود. الان با آرش انیسی گپ خصوصی کوچکی داشتیم و گفتیم که بعضی مواقع نسبت‌هایی پیدا می‌شود و شما به افرادی اعتماد می‌کنید و تلاش دارید تا بهترین اتفاق با آن جمع رقم بخورد. من سعی می‌کنم این

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران | جشنواره



“

آرش انیسی:

وقتی فیلمنامه «مامان» را نوشتم دنبال کارگردانی آن بودم و این فیلمنامه متفاوت از تمام فیلمنامه‌هایی بود که می‌نوشتم و طبیعتاً به بازیگر هم فکر می‌کردم. در فیلم کوتاه «اول پاییز» عادل تبریزی خانم افشار را دیدم و فهمیدم او کاراکتر فیلم من است و جزو اولین گزینه‌هایی بود که در ذهن داشتم

و بیش از پنج تهیه‌کننده را دید. وقتی دوباره برگشت یک امکان مالی پیش آمده بود و من توانستم وارد پروژه شوم. دوباره فیلمنامه را بررسی کردیم و فکر می‌کنم «مامان» یکی از دقیق‌ترین فیلمنامه‌هایی بود که به دست من رسیده است. من فیلم‌هایی کار کردم که طرح یا ایده خوبی داشت و فیلم‌های دیگران را کنار خودمان داشته باشیم و یک جنبش راه بیندازیم. این کار از جنس سیستم نیست و محصول تلاش فردی است.

■ **با این پیش‌زمینه «مامان» چقدر مشکلات تولیدی داشت؟**

برزگر: آرش انیسی سال‌ها مترصد ساخت «مامان» بود. یک زمانی من امکان تولید این فیلم را نداشتم و آرش با کسان دیگری وارد مذاکره شد اما دوباره

برگشت پیش من. انیسی: من در اول کار سراغ بزرگ‌آدم‌د و در این مسیر اتفاقات زیادی را از سر گذراندم. فیلمنامه «مامان» را خرداد سال ۹۶ ثبت کردم و از همان زمان به‌دنبال ساخته شدنش بودم. خیلی دوندگی کردم تا این فیلم پروانه ساخت بگیرد.

برزگر: زمانی که آرش پیش من آمد من تهیه‌کننده نبودم و اجازه ساخت نداشتم. خیلی جنگیدم تا به ارشاد ثابت کنم که من را به‌عنوان تهیه‌کننده به رسمیت بشناسند. هنوز هم به رسمیت نمی‌شناسند. و ما به زور می‌خواهیم بگوییم هستیم! (می‌خندد). ممکن بود ارشاد به من مجوز ساخت یک فیلم در سال را بدهد اما موافق بیشتر از یک فیلم نبود. آن موقع قرار بود فیلم دیگری کار کنم و چون آرش به فیلمش ایمان داشت سراغ تهیه‌کننده دیگری رفتم در طول کار کردن به آن می‌رسند اما جان دادن به

فقط شکم‌سیران می‌توانند به این فیلم بخندند

«این فیلم به حدی توهین‌آمیز است که فقط ضد کارگر و کار نیست بلکه ضد انسان است و برخلاف ظاهر انتقادی فیلم، طرفدار وضع موجود و لمپن بورژواها و دلالان است. من با اجازه دوستان می‌خواهم بگویم کسانی که به این فیلم می‌خندند باید فکری برای خودشان کنند چون وضع‌شان خیلی خراب است! فقط شکم‌سیران می‌توانند به این فیلم بخندند، شکم‌سیرانی که با پول دلای و کتیف می‌توانند سرپا باشند. فرم در این فیلم جایی ندارد و در مورد نیمچه تکنیک سطح پایینش بعداً وارد بحث می‌شوم.»

مسعود فراس‌تی منتقد برنامه تلویزیونی «هفت» از فیلم «شیشلیک» بشدت انتقاد کرد.



«شیشلیک» یک کم‌دی انتقادی سیاه با محوریت یک اجتماع کوچک ایزوله شده در حومه تهران است که به رویدادهای اجتماعی، سیاسی و... چند دهه اخیر کشور ارجاعات مستقیم می‌دهد و هاشم را بدل به کاراکتری نمادین و تمثیلی می‌کند.

فیلمنامه ششمین فیلم سینمایی محمدحسین مهدویان به قلم امیرمهدی زوله به نگارش درآمده که نویسنده نام‌آشنایی در حیطه طنز و کم‌دی مخصوص در مدیوم تلویزیون است. ترکیب مهدویان و زوله با شمایلی که از آنها در ذهن داریم، در نگاه اول کنجکاو برانگیز است اما حاصل این همکاری مطابق با کنجکاوای ایجاد شده نیست.

«شیشلیک» همچون «لاتاری» واجد نوعی اغراق، هیجان زدگی و مستقیم‌گویی است که این بار بستر کم‌دی انتقادی را با تکیه بر گرایش‌های نویسنده‌اش انتخاب کرده و واکنش برانگیز است. چراکه جنس قصه، لحن و شیوه روایت امکان عمیق شدن در کنه و ذات این موقعیت تمثیلی و نمادها و ارجاعات را نمی‌دهد و مخاطب را در سطح و رویه کار نگه می‌دارد.

اجتماع کوچکی که از دل کارخانه پشم ایران! در حاشیه شهر خلق شده، در عین غیر واقعی بودن تمثیلی از همانان است اما بدون شناسنامه. از دل همین خلق تمثیلی است که اجتماعی به ظاهر متعلق به دهه شصت ترسیم شده که افراطی یا ایزوله بودن آنها برآمده از ایدئولوژی و جهان‌فکری است که رئیس کارخانه برایشان ساخته است.

در واقع هر رفتار و گفتاری در قالب ایدئولوژی

با کسی تعارف نداریم

«ما دوسه سینمای متخلف در زمینه عدم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی داشتیم که به آنها تذکر لسانی دادیم که البته آنها هم بسرعت مسأله را حل کردند، به یکی از سینماها هم تذکر جدی دادیم چون مواد خوراکی را در بوفه به‌صورت فله‌ای می‌فروختند، به‌همین ترتیب دبیر جشنواره جلسه‌ای فوق‌العاده تشکیل و تذکری جدی داد. برای مثال به لزوم استفاده از ماسک در داخل سالن نمایش از ابتدا تا هنگام خروج تأکید شد و همچنین تأکید شده که در داخل سالن سینما مواد خوراکی استفاده نشود، چون برای این امر نیاز به برداشتن ماسک است که در این صورت پروتکل‌ها رعایت نمی‌شود. امسال یکی از مأموریت‌های نمایندگان ما این است که به بحث رعایت پروتکل‌های بهداشتی سرکشی کنند، ما در این زمینه هم تعارفی با کسی نداریم.»

محمد رضا فرجی مدیر امور سینماهای سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر از بازرسی نحوه رعایت پروتکل‌های بهداشتی در سینماهای محل برگز آری این جشنواره خبر داد.